

لحام الحیة الحامی علی التوائی / تجلیه

عیان شد ماه ما تم شور غم
آمان از این غم این شور غم

عیان اندر سما ماه عزا و شور
ز نور او شد قلب جهان زجور
که آتش افکند اندر جهان این بود
به امان عزا پستی این عالم

چو این ماه محرم شد عیان بر ما
عزا و آه غصه شد به یارها
ز میان آسمان اندر غم غوغا
ز بصره قتل سب هادی اکرم

در این ماه محرم میسر در شب
تمام روزها به روشنی آتش جوش
چرا این جورها از قوم کی یاد
چرا ارض سما در ناله و در هم

بدشت که بلا آن تمام ناکام
محویشی عزا که در بصد آلام
خنا بند ز خون در یاری اسلام
زداعی مادرش اشک روان چون

بدشت که بلا آن از عمر پیش
بنوش آب لیکن از لب آن تیر
ز یاب از غمی اندر جوانی بر
سود یارب و ز حال توئی اعلم

بدشت که بلا عیان از بهر دین
فکند اندر کنار علقه از زین
نه دخی در بدن دارد ز جور کی
پیشی بر زمین آن مشک آن

بدشت که بلا آن شب بیخواب

ز جور اهل کینه آن علی الب
بر روی مال خون چون گل شود
زنده لیلی دودست غم بر روی هم

بدشت که بلا بیمار آه الله
شد از سینه مهر خندین آه
ز جور اهل کینه یارب توئی آگاه
که در ناله غلیل موسی آدم

یسی از قتل حسین جمع یارانش
سوی خیمه ها از کینه عدو نشین
زدند آتش زه آن آتش بی جان
برد شعاع که نیست مصطفی شد غم

ببالای آسمان بادیده جاری
زمین تو هم قرین شو با غم زاری
مژدای تو شفیع اندر چرا داری
که گوی یا حسین هر لحظه و هر دم

نظمت می ۱۴ / دعا بحج ۱۴۲۲ هـ